



درس دهم

نیاز به مکتب آسمانی (۲)

در درس نهم به بررسی ویژگی مکتب انبیاء در بُعد جهان بینی پرداختیم. حال در این درس می خواهیم به بررسی دومین ویژگی تعالیم انبیاء که مربوط به بعد تربیتی می شود، بپردازیم. یعنی می خواهیم این موضوع را بررسی کنیم که:

مکتب تربیتی انبیاء دارای چه ویژگی هایی است و چه تفاوت هایی با مکاتب مادی دارد؟

انسان از نظر ابعاد روحی و از نظر آنچه بعداً شخصیت انسانی او را می‌سازد موجودی بالقوه است یعنی بذر ارزش‌های انسانی در وجود او به صورت یک سلسله استعدادها نهفته است. به تعبیر دیگر همان‌گونه که یک هسته خرما استعداد درخت خرما شدن را دارد و از این جهت گفته می‌شود که هسته خرما بالقوه یک درخت خرما است، انسان نیز در ابتدای تولدش استعداد انسان شدن را داراست و انسان بالقوه است. یعنی او هنوز انسان نیست بلکه تنها از نظر ساختمان جسمانی و ظاهری، انسان است، نه از نظر ابعاد روحانی و ارزش‌های انسانی. بذر این ارزش‌ها و ابعاد روحانی وجود انسان تنها در پرتو تربیتی ویژه و زدوده شدن آفت‌های راه، تدریجاً از زمینه وجود انسان سر برمی‌آورد و همین‌ها هستند که فطرت انسان را تشکیل می‌دهند و وجدان فطری و انسانی انسان را می‌سازند. انسان اگرچه حامل ارزش‌هایی همچون جانشینی خدا در زمین و امانت‌داری از جانب اوست، اما همه کرامت‌ها و کمالات انسان تنها به صورت یک سلسله استعدادها در وجود او قرار دارد و چنین نیست که هر انسانی خودبه‌خود به این ارزش‌ها دست یابد، بلکه بروز این استعدادها نیازمند عامل مهم «تربیت» است. «تربیت» یعنی پرورش دادن و شکوفا نمودن استعدادهای درونی یک شیء.

در این جا این سؤال مطرح است که اگر انسان بخواهد از حد حیوانیت فراتر رفته و استعدادهای انسانی و ارزش‌های الهی او شکوفا شود، براساس چه نظامی باید تربیت شود؟ اهدافی که در یک نظام تربیتی در زمینه پرورش وی مورد توجه است باید دارای چه خصوصیتی باشد؟ علاوه بر آن چه شخصی و با چه ویژگی‌هایی شایستگی آن را دارد که مربی انسان‌ها باشد؟

خصوصیات هدف‌های تربیتی مکتب دین

مکتب انبیاء به دلیل بهره‌مندی از تعالیم الهی، با آگاهی بر تمامی نیازها و استعدادهای انسان و هم‌چنین با توجه به تمامی واقعیت‌های جهان هستی، انسان را به سوی اهداف و

کمالاتی هدایت می‌کند که آن اهداف و کمالات دارای سه خصوصیت مهم است :

۱- آن اهداف و کمالات، واقعی است بدین معنی که تحقق آن اهداف در جهان خارج امکان‌پذیر است.

۲- خواسته‌ی فطری انسان است و انسان با یک میل ذاتی و کشش و عشق درونی متوجه آن اهداف و کمالات است.

۳- دربرگیرنده همه نیازهای وجود انسان و رشد دهنده و شکوفاکننده‌ی همه استعدادها و ارزش‌های روحانی اوست.

ولی مکاتب بشری به دلیل ناتوانی‌ای که نسبت به شناسایی جهان هستی و ماهیت انسان و ارزش‌های او دارند، اهداف و کمالاتی را برای انسان مطرح می‌سازند که یا کاذب است و منطبق بر نظام جهان و خواسته‌های فطری انسان نیست و یا اگر در ابتدا موافق با طبع انسان است به دلیل عدم توافق با همه ابعاد و وجوه شخصیت انسان، آن هدف‌ها شکلی ناقص داشته نمی‌تواند انسان را به سرمنزل کمال برساند.

به‌عنوان نمونه هرگاه هدف اصلی در یک مکتب تأمین رفاه مادی انسان باشد — چنان‌که اکثر مکاتب‌های بشری و به‌خصوص مکاتب‌های مادی چنین هدفی را دنبال می‌کنند— می‌توان نارسایی‌های این هدف را براساس اصول فوق چنین بازگو کرد :

اولاً نظام خاص جهان طبیعت که همه‌ی امور آن محدود و موقت است و تحصیل هیچ هدفی در این نظام خالی از رنج و زحمت نیست اجازه‌ی تحقق چنین هدفی را به انسان‌ها نمی‌دهد. از یک طرف انسان‌ها باید زحمت فراوانی متحمل شوند تا بتوانند شرایط یک زندگی مرفه را فراهم آورند که باید گفت تا این مرارت‌ها و رنج‌ها هست اثری از رفاه نیست و از طرف دیگر هنگامی که شرایط لازم، تحصیل شد تازه این رفاه زودگذر خواهد بود چرا که دنیا دار تغییر و فنا است. جسم انسان، سلامتی و جوانی او به‌زودی دچار فرسودگی و زوال خواهد شد و علاوه بر آفات طبیعی از قبیل سیل، زلزله و بیماری و غیره مسئله بزرگی هم چون مرگ به عنوان نقطه پایانی بر حیات دنیوی انسان در پیش است. اگر اندکی در این باره دقت شود ملاحظه خواهد شد آنچه که در این دنیا امکان

تحقق دارد نوش همراه با نیش و لذت همراه با رنج است آن هم در دوره‌ای بسیار کوتاه و موقت.

ثانیاً این هدف، خواسته حقیقی انسان نیست. درست است که انسان در طلب سعادت است ولی این سعادت، مادی نمی‌تواند باشد چرا که هیچ‌گاه هیچ هدف مادی اعم از مقام، ثروت و شهرت هرچند بزرگ هم که باشد نتوانسته است طبع بی‌نهایت جوی انسان را ارضا نماید. انسان مادام که در طلب یک هدف مادی است رسیدن به آن هدف برایش هیجان‌آور و شیرین است اما همین که به آن رسید، می‌یابد که این هدف آن چیزی نیست که همه نیازهای او را پاسخ‌گو باشد. برای یک دانش‌آموز قبول شدن در دانشگاه و تحصیل در یک رشته معتبر بسیار دل‌انگیز است تا حدی که شاید وی سال‌ها در تب و تاب رسیدن به این هدف به سر برد اما همین که به این هدف رسید درمی‌یابد که ظرف طلب و کشش او بسی وسیع‌تر و پرمایه‌تر از آن است که این هدف بتواند آن را پر نماید و لذا راضی نمی‌شود و آرام نمی‌گیرد.

ثالثاً این هدف تأمین‌کننده همه نیازها و رشد‌دهنده‌ی همه استعدادهای انسان نیست. یکی از مهم‌ترین کشش‌های وجود انسان، میل به جاودانگی است و کشش مهم دیگر در وجود انسان میل به کمال و تعالی است، این هر دو هیچ‌گاه با رفاه مادی قابل جمع نیستند. انسان مرفه از آن جهت که رفاهش را موقتی و پایان‌پذیر می‌بیند و حیاتش را تا لحظه مرگ می‌شمرد همواره در اضطراب است. هرگاه که نظرش از رفاه موجود به سوی پایان‌زندگی جلب می‌شود دردی جانکاه و غمی پایان‌ناپذیر عمق جانش را فرامی‌گیرد زیرا که در مقابل نیاز او به تحصیل سعادت دائمی پاسخی دریافت نمی‌کند و هم‌چنین از آن‌جا که رفاه‌طلبی نقطه مقابل کمال‌جویی است هیچ‌گاه طعم تعالی و کمال را در جانش نمی‌چشد. آن‌چه که زاییده و محصول رفاه است رخوت است و سستی نه رشد و بالندگی.

بنابراین همان‌گونه که اندام‌های مختلف بدن انسان یک ارتباط دقیق و حساب شده با هم دارند و باید رشدی هماهنگ داشته باشند، ابعاد روحی و روانی انسان نیز دارای ارتباطی بسیار دقیق و ظریف با هم هستند. ابعاد روحی و روانی انسان یک کل تجزیه‌ناپذیر

است. اراده انسان در ارتباط با آگاهی و علم وی و این دو در ارتباط با عواطف و خصلت‌های اخلاقی و هر سه در ارتباط با خلاقیت و هنر و این مجموعه در پیوند با عشق و پرستش در انسان است. همه از هم تأثیر پذیرفته و در رشد و یا تضعیف یکدیگر مؤثرند. لذا رشد همه این ابعاد در انسان لازم و ضروری است. این جاست که تنها مکتب پیامبران به دلیل اطلاع بر تمامی استعداد‌های انسان می‌تواند رشدی متعادل به انسان ببخشد و انسان را از یک بعدی شدن و رشدهای سرطانی موجود در مکاتب بشری نجات بخشد. در چنین تربیتی که جز تربیت دینی نمی‌تواند باشد، ترس و تهور به شجاعت، خودخواهی به ایثار، شهوت به عفت، تکبر به کرامت نفس، غرور به عزت نفس، بخل و امساک به بخشش و جود تبدیل شده و در یک کلمه انسان، انسان می‌شود.

مقایسه

با توجه به آنچه گفته شد، ویژگی‌های اهداف تربیتی انبیاء را با دیدگاه مادی‌گرایان مقایسه کنید و تفاوت‌های آن‌ها را در مقابل هم بنویسید.

| ویژگی‌های اهداف تربیتی مکاتب مادی | ویژگی‌های اهداف تربیتی انبیاء |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| ۱- | ۱- |
| ۲- | ۲- |
| ۳- | ۳- |
| ۴- | ۴- |
| ۵- | ۵- |
| ۶- | ۶- |
| ۷- | ۷- |
| ۸- | ۸- |

ثمره‌ی انتخاب مکتب تربیتی انبیاء

بنابر توضیحات فوق، مکتب انبیاء برخلاف مکاتب بشری به واسطه هدایت انسان به سوی اهدافی که از یک طرف هماهنگ با نظام هستی است و از طرف دیگر منطبق با ساختمان روحی و جسمی اوست در صحنه وجود انسان تحول و رستاخیزی به وجود می‌آورد که همه استعدادهای او را برانگیخته به شکوفایی می‌رساند و انقلابی عظیم در عمق جان انسان برپا می‌کند. انقلاب و رستاخیزی که کم‌کم رشد نموده دامن اجتماع را فراگرفته و از مرحله تحول و انقلاب فردی به مرحله تحول و انقلاب اجتماعی منتهی می‌شود. تحول انقلابی در تمام ابعاد جامعه.

انسان با ایمان چون می‌داند که کیست، کجاست و به کجا می‌رود لذا دچار پوچی و سرگستگی نیست. زندگی در نظر او که هم خودآگاه است و هم خداآگاه معنا و چهره‌ای دیگر می‌یابد. قیافه جهان در نظر او تغییر می‌یابد و عناصری علاوه بر عناصر محسوس در ساختمان جهان به وی ارائه می‌شود. جهان خشک و سرد مادی به جهانی جاندار و باشعور و آگاه تبدیل می‌شود. این چنین انسانی از آن جهت که جهان را هدفدار و هدف جهان را خیر و کمال می‌داند نسبت به نظام هستی و قوانین آن «خوش‌بین» است و از «روشن‌دلی» و «اطمینان خاطر» و آرامش باطنی خاصی برخوردار است.

تربیت دینی به واسطه آن که همه ابعاد انسان را رشد می‌دهد نه تنها اندیشه‌ها را نیرو می‌بخشد و عقل‌ها را اقناع می‌کند، بلکه در دل انسان «شور» زندگی می‌افکند و «شوق» حیات را در ژرفای روح او زنده می‌کند. به او حرکت می‌دهد و زندگی‌اش را «قداست» می‌بخشد. و این از ویژگی‌های مکتب آسمانی است که حوزه‌ی گرایش آدمی را از عالم تنگ‌خاکی فراتر می‌برد و تا به سرحد عالم ملکوت گسترش می‌دهد و در انسان ایمان می‌آفریند.

ویژگی‌های انسانی که مکتب تربیتی انبیاء را انتخاب کرده با خصوصیات انسانی که در این راه قدم گذاشته مقایسه کنید و تفاوت‌های آن‌ها را در مقابل هم بنویسید.

| ویژگی انسان دور از مکتب انبیاء | ویژگی انسان پیرو مکتب انبیاء |
|--------------------------------|------------------------------|
| ۱- | ۱- |
| ۲- | ۲- |
| ۳- | ۳- |
| ۴- | ۴- |
| ۵- | ۵- |
| ۶- | ۶- |
| ۷- | ۷- |

سرمشق تربیت

علاوه بر نیاز انسان به برنامه تربیتی همه جانبه‌ای که رشد دهنده تمامی استعدادهای فطری او باشد یک نیاز اصیل و اساسی دیگر نیز برای انسان وجود دارد که جز از طریق شخصیت‌های آسمانی تأمین نمی‌شود. بدین معنی که انسان برای رسیدن به کمال وجودی خویش، نیازمند به سرمشق و الگو است. نیازمند به یک انسان نمونه و ایده‌آل است که تمامی ابعاد انسان کامل در وجود او تحقق یافته و نمونه انسانیت باشد. به طوری که پیروی از او، انسان را در مسیر رشد و اعتلای شخصیت حقیقی‌اش پیش برد. بدون دسترسی به چنان مثلّ اعلاّی انسانیت، و بدون شناخت چنان انسان‌های پیشرو که بتوانند «رهبر» انسان‌ها

به سوی حق و کمال باشند، سازندگی کامل شخصیت انسانی، امری ناممکن است. به بیان دیگر از آنجا که انسان باید با اراده خویش در مسیر پربینج و خم کمال قدم بردارد و در این راه باید در مقابل بسیاری از سختی‌ها مقاومت نموده و از بسیاری از هواها و امیال نفسانی خود صرف‌نظر نماید لذا نیازمند به محرکی نیرومند و جاذبه‌ای قوی است. این جاذبه از دو طریق باید تأمین شود، هدف و الگو. همان‌گونه که لازم است یک نظام تربیتی با ارائه هدف‌هایی که خواسته فطری و درونی انسان است شوق حرکت و عشق به مقصد را در آدمی ایجاد نماید، هم‌چنین لازم است با ارائه الگوی انسان کامل در چهره‌ی یک مربی دلسوز، عشق و محبت را بین انسان و مربی خویش برقرار سازد تا مشکلات و سختی‌های راهی که مربی بدان دعوت می‌کند در پرتو عشق و محبت، به راحتی و سهولت پشت سر گذاشته شود.

از طرف دیگر با وجود الگو در متن جامعه، امکان تحریف و یا کم‌رنگ شدن هدف در بین راه و انحراف از مسیر و بازماندن از مقصد از بین می‌رود.

گرچه مکتب‌های گوناگون در زمینه‌ی انسان‌شناسی و معیارهای انسانیت بحث‌ها کرده‌اند اما هیچ یک از آن‌ها نتوانسته‌اند حتی یک نمونه از انسان کامل و انسانیت حقیقی را به جوامع بشری عرضه کنند تا رهبر و مربی انسان در راه کمال باشد. بلکه برعکس، اغلب صاحبان مکتب‌ها، خود به صورت‌های گوناگون به لغزش‌ها و نقص‌ها و نارسایی‌های خویش اعتراف کرده‌اند.

تنها در مکتب آسمانی است که در اثر تربیت الهی، شخص «پیامبر» خود الگو و نمونه‌ی انسانیت حقیقی و انسان ایده‌آل است.

ثمرات وجود یک سرمشق تربیتی را با زیان‌های نبودن آن سرمشق را مشخص

کرده و از یک‌دیگر تفکیک نمایید.

| زیان‌های نبودن سرمشق | ثمرات وجود سرمشق |
|----------------------|------------------|
| ۱- | ۱- |
| ۲- | ۲- |
| ۳- | ۳- |
| ۴- | ۴- |
| ۵- | ۵- |
| ۶- | ۶- |

رسول باطنی

آن‌چه که تاکنون تشریح گردید در زمینه‌ی اثبات نارسایی قوای فکری و علمی و عملی انسان در هدایت همه‌جانبه خویش و نیاز او به یک مکتب آسمانی بود. اینک می‌خواهیم ببینیم که آیا این نارسایی قوای انسان به معنای تعطیل نیروهای او و از جمله قدرت تعقل اوست و آیا آن‌چنان که برخی پنداشته‌اند میان اصول و قواعد دین آسمانی و مبانی عقلی و استنتاجات آن تضاد و ستیزی وجود دارد؟

در معارف دینی از عقل به «پیامبر باطنی» تعبیر گردیده است و این خود می‌رساند که در بینش دینی، عقل و دین دو چیز مخالف هم که قبول یکی مستلزم نفی دیگریست، نمی‌باشند. عقل و دین هر دو موهبتی هستند از جانب خداوند به عالم انسانی تا با اتحاد و پیوند آن دو، کشتی حیات بشری بر دریای پرتلاطم زندگی به ساحل نجات و سرمنزل نهایی رهنمون گردد.

اگر نیروی عقل را به ناخدای کشتی حیات انسان تشبیه کنیم، آموزش‌های رسیده از طریق پیامبران نیز بسان قطب‌نمایی است که باید جهت حرکت را تعیین و با همکاری و مشارکت این دو، حرکت به سوی هدف زندگی صورت پذیرد. به همین علت، تعالیم آسمانی در مواردی است که یا عقل و دانش بشری در آن‌جا به کلی عاجز و ناتوان است و یا نیازمند به راهنمایی کلی و نشان دادن خط صحیح حرکت است و گرنه در مواردی که عقل و اندیشه‌ی بشری به تنهایی می‌تواند گره از حل مشکلی بگشاید، تعالیم آسمانی تکلیف را متوجه خود انسان نموده است تا با به کار بستن نیروهای درونی خویش، در مسیر تکامل و حل مشکلات خویش گام بردارد، نظیر تحصیل علوم و فنون مختلفه و کشف درمان بیماری‌ها و بسیاری از مسائل مربوط به زندگی فردی و اجتماعی.

با این بیان، انبیاء و وظیفه داشته‌اند چراغی بر سر راه اندیشه بشری فرا دارند تا از تاریکی‌های تحیر و سرگستگی خارج شود و در روشنایی‌های هدایت آسمانی، با شتابی افزون‌تر در جهت کشف حقایق گام بردارد و از آفات راه در امان باشد.

قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره و دریا، دریاست

بررسی

اگر عقل که پیامبر باطنی وجود انسان است، نباشد، چه قدر از تلاش‌های

پیامبران به ثمر می‌رسید؟

این سؤال را با هم فکری با دوستان خود در کلاس پاسخ دهید.



- ۱- چرا انسان موجودی است نیازمند تربیت؟
- ۲- هدف‌های مورد نظر در یک نظام تربیتی باید دارای چه مشخصاتی باشد؟
- ۳- چرا تنها مکتب دین می‌تواند انسان‌ها را در مسیر سعادت حقیقی تربیت نماید؟
- ۴- با توجه به پاسخ سؤال دوم، توضیح دهید که چرا اعراض از دنیا و انزواطلبی نمی‌تواند به‌عنوان یک هدف تربیتی انسان‌ها را در مسیر کمال حقیقی و تحصیل سعادت واقعی سوق دهد؟
- ۵- در نظام تربیتی دین، والاترین هدف چیست؟ در پرتو چنین نظامی چه آثاری در زندگی انسان‌ها در بعد فردی و اجتماعی به‌وجود خواهد آمد؟
- ۶- چرا هر نظام تربیتی بایستی برای تربیت انسان‌ها، سرمشق و الگو ارائه دهد؟ فرق میان مکتب پیامبران با سایر مکاتب در ارائه الگوی انسانیت چیست؟
- ۷- در معارف دینی به چه چیز پیامبر باطنی گفته می‌شود؟
- ۸- رابطه میان عقل و دین را بیان کنید.



با مراجعه به نظرات دانشمندان بزرگ درباره‌ی پیامبران و ادیان الهی، به این سؤال پاسخ دهید که اگر پیامبران در جوامع بشری ظهور نمی‌نمودند، انسان‌ها چه سرنوشتی پیدا می‌کردند؟



